



سرمایه اجتماعی، اساس یک حکمروایی خوب است و در اینجا کنایه از حکمروایی، نظام کلان، تصمیم‌گیری‌های بزرگ و عمده یا اساسی در کشور است. مثلا اینکه حکمروایی نسبت به اقتصاد و چگونگی کنترل بر نظام اقتصادی به چه شکل نگاه می‌کند یا اینکه برای تامین برابری‌ها به کدام مدل از ایده برابری‌ها مانند برابری قانونی، برابری فرصت‌ها یا برابری نتایج معتقد است؟ چه الگویی برای توسعه دارد؟ سرمایه‌گذاری خارجی را چه چیزی می‌داند؟ نسبت به خصوصی‌سازی چگونه می‌نگرد؟ نقش بازار و سرمایه را در حیطه عرصه عمومی چگونه می‌داند؟ سرمایه اجتماعی دارای یک دوسویه بسیار مهم است. این دوسویه در هر ارزیابی مربوط به سرمایه اجتماعی حتما باید مد نظر قرار گیرد. از یک سو اعتماد مردم به نظام حکمروایی است که سازنده حیاتی برای کسب سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و هر گونه خلل و بحرانی در آن می‌تواند برای رژیم‌های سیاسی ایجادکننده بحران مشروعیت تلقی شود و سوی دوم این موضوع اعتماد مردم به مردم است که می‌تواند پشتیبان همیاری‌های اجتماعی بوده و مردم را از منفعت‌طلبی‌ها و خودخواهی‌ها بی‌نظمی حاصل از بی‌اعتمادی عمومی به یکدیگر باشد.

اگر مردم احساس کنند نظام سیاسی، بسامانی مناسبی ندارد و به عبارت ساده‌تر قانون جنگل حاکم است، بر اساس یک دیدگاه رئالیستی به سمت اصل بکش تا کشته نشوی یا اصل خودیاری حرکت می‌کنند و اساسا ر نجات خود از یک ترس دائمی و مستمر می‌بینند و روحیه همکاری و همیاری در میان عموم مردم از بین رفته و هر کس به این فکر است که گلیم خود را از آب بیرون بکشد و راه حیات خود را هموار کند و از ششور جنگل تا توان دارد بگریزد. حرص و آز و ذخیره‌اندوزی رایج می‌شود که مبادا در شرایط آنارشی توان استمرار حیات وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر یک ترس دائمی و اضطرابی مستمر در جامعه ریشه می‌یواند که بزرگ‌ترین و مهلک‌ترین ضربه‌ها و صدمات را به سرمایه اجتماعی یک کشور وارد می‌کند.

■ **رهیافت فکری گفتمان انقلاب اسلامی برای حکمروایی خوب**

همه گفتمان‌های انقلابی در درون خود دارای یک دال مرکزی هستند که به وسیلهٔ آن سسایر مدلولات فکری را شکل می‌دهند. در این راستا مثال‌ها و نمونه‌های قرن بیستمی فراوان است که می‌توان خیلی کوتاه به آنها اشاره کرد. به عنوان نمونه در انقلاب مارکسیستی طبقه اقتصادی به

یک دال مرکزی تبدیل می‌شود و تفسیر و تعابیر اجتماعی نیز حول و حوش همین مفهوم شکل می‌گیرد. هم عرصه داخلی و هم عرصه خارجی یک جدال مستمر طبقاتی است که بر اساس دیالکتیک تاریخی مارکسیست‌ها آینده را از آن نظام بی‌طبقه کمونیستی می‌داند و بر این اساس نیز روش‌های حکمروایی خود را بر اساس اقتصاد دستوری به پیش می‌برد.

بنابراین گفتمان‌های انقلابی چارچوبه‌ای را برای حکمروایی نظام سیاسی پس از پیروزی و استقرار انقلاب به وجود می‌آورند و نظام تصمیم‌گیری‌های کلان بر آن اساس شکل می‌گیرد و بر اساس همان‌ها تقنین و اجرا می‌شود اما لزوما این مساله به این معنا نیست که بین گفتمان انقلابی و نظام حکمروایی تطبیق وجود داشته باشد یا اینکه بین نظام حکمروایی و نظام اجرایی و تقنینی مرتبط هماهنگی وجود داشته باشد یا اینکه در نهایت در اجرا درست و بی‌نقص و بدون فساد انجام پذیرد. لازم است همواره بین هماهنگی این مولفه‌ها با یکدیگر و در نهایت آنچه در سطح جامعه و سیاست و حکومت انجام می‌پذیرد نظارت و به‌طور مستمر آنها را بازبینی و بازرسی کرد.

■ **گفتمان انقلاب اسلامی و حکمروایی**

انقلاب اسلامی ایران به ادعان بسیاری از محققان و پژوهشگران از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین و اثرگذارترین انقلاب‌های قرن بیستم محسوب می‌شود، چارچوبه‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران برای حکمروایی، از لحاظ تقنینی، قانون اساسی محسوب می‌شود. دال مرکزی در این گفتمان، اسلام است که بازتاب‌های آن در شکل‌گیری یک نظام مبتنی بر مردمسالاری دینی دیده می‌شود. در این تفکر آزادی و مردمسالاری در چارچوبه‌های اسلامی دیده می‌شود و حتی قوانین درجه دوم در کشور مانند قانون مدنی و جزا با توجه و استناد به شریعت اسلامی به شکل تقنین در می‌آید. برای نگه‌داشت گفتمان انقلاب اسلامی که در ذات خود آموزه‌های اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دهد، تاکنون در این ۴ دهه، مردم ایران هزینه‌های زیادی را صرف کرده‌اند که امروز خیل گسترده شهدا و جانبازان و ایثارگران، خود به عنوان سرمایه و پشتیبان این انقلاب و رمز پویایی و استمرار نظام جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند. با توجه به این سرمایه و هزینه‌های زیادی که برای پشتیبانی از انقلاب در طول دفاع‌مقدس و خصومت‌ورزی‌های مختلف بیگانگان علیه استقلال و هویت اسلامی- ایرانی ارائه شده است، دغدغه همه ایرانیان حفظ و بهبود نظام حکمروایی بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی است.

آموزه‌های اسلامی بر اجتناب از طافوت و نگاه‌داشت ایمان تأکید دارند، عدالت اجتماعی و خلق فرصت‌های برابر برای همه شهروندان ایرانی مد نظر است و اینکه ایران از آن همه ایرانیان است و هر سهمی از درآمدهای ملی باید به شکل منصفانه و

عادلانه به همه ایرانیان تعلق گیرد. مولفه‌های فکری ایمانی این گفتمان بر اساس دیدگاه‌های قرآنی، تقوایی‌پیشگی را معیار می‌داند و هیچ چیز دیگری از وابستگی‌های قومی و نژادی و ثروتی و فامیل معیار نیست، اسلام به تقوا، عدم تبعیض، مهرورزی، قناعت‌پیشگی، عدالت، اجتناب از حرص‌ورزی و مبارزه با فساد به هر شکل آن تأکید دارد و سوی نظام پاداش و تنبیه دنیوی، عذاب و اجرت اخروی را هم در نظام معنایی خود ارائه می‌کند.

امروز به‌رغم همه فرصت‌های خوبی که نظام جمهوری اسلامی بر اساس گفتمان انقلاب به وجود آورده است اما هنوز از بسیار از ایده‌آل‌های آن دور هستیم؛ امری که می‌تواند سرمایه اجتماعی کشور را در ۲ سوی آن یعنی اعتماد مردم به حکومت و اعتماد مردم به خودشان و تقویت اصل همیاری‌های اجتماعی به مخاطره بیندازد.

■ **حاکم شدن تدریجی تفکر نولیبرالی در اقتصاد**
متأسفانه بعد از پایان دوران دفاع مقدس، و پس از روی کار آمدن گروه خاصی از مشاوران اقتصادی، تفکر نولیبرالی که روی سرمایه‌گذاری آزاد، تجارت‌پیشگی، اصل رقابت و مزیت نسبی اقتصادی تأکید داشته بر بدنه تصمیم‌گیری دولت‌های مختلف از مرحوم رفسنجانی تاکنون یعنی دولت آقای دکتر روحانی تأثیرگذار بوده است. این تفکر نولیبرال اقتصادی که بویژه از اوایل دهه ۸۰ میلادی و پس از حاکم شدن رکود بی‌سابقه در دنیای غرب به وجود آمده بود، هدفش نجات دادن و احیای اقتصاد سرمایه‌داری یا کاپیتالیست غربی با مکانیسم‌های «برتن وودز» و اجماع واشنگتن بود.

یکی از رویکردهای اصلی این مبارزه با رکود سرمایه‌داری این بود که به تعبیر خودشان یکی یکی کشورها را به حلقه نظام تجارت آزاد مبتنی بر تفکر ریکاردویی جمع کنند و با تطبیق نظام اقتصادی و سیاسی آنان با ساختارهای نظام سرمایه‌داری غرب، دنیای تجارت آزاد نولیبرالی را از رکودی که سخت گریبانگیرش شده بود برهاند. عمده این روندها در همان دوره تاکنون در نظام بین‌الملل به روند تعدیل ساختاری معروف شد و هنوز که هنوز است دنیای غرب شدیدا در تلاش است ایده‌های خود را در این باره محقق کند. ایران در این فرجه قرار بگیرد ولی بعد از پایان جنگ شرایط ملی از دیدگاه غربیان برای پیوست ایران به این حلقه مهیا شده بود.

یکی از سازوکارهای اصلی تفکر اقتصاد نولیبرالی در ایران استناد و استفاده از اصل چهل و چهارم قانون اساسی است که شرایط لازم را برای خصوصی‌سازی فراهم می‌کند که البته متأسفانه با مسائل فساد و رانت نیز تاکنون مواجه شده است و بازتاب‌های مختلف آن را گاه و بی‌گاه در بررسی‌های قضایی قوهقضائیه و گزارش‌های نمایندگان مجلس و رسانه‌های عمومی شاهد هستیم.

لزوم گسست از تفکر نولیبرالیستی منسوخ

حضرات! به خط انقلاب بازگردید

- رضا سیمیر*

این تفکر اقتصادی نولیبرال که همراه شد با فساد و رانت مربوط به خود تاکنون در چند جا خود را بخوبی نشان داده است که آثار سوئی را بر سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم داشته و باعث شده موضوع عدالت اجتماعی که از محورهای اصلی گفتمان انقلاب اسلامی است با بحران مواجه شود، امری که شدیدا نیازمند بررسی و تلاش جدی همه ایرانیان برای جلوگیری از استمرار آن است. یکی از این سازوکارهای منفی تاسیس بانک‌های خصوصی و بویژه اعتباراتی بوده است که متأسفانه در خیلی از موارد فاقد شفاف‌سازی لازم بوده و شبهات مختلفی را برای به وجود آمدن رانت اقتصادی فاسد شکل داده است. وام‌هایی که در برخی موارد به بانک‌های ورشکسته منجر شد و حتی دولت مجبور شد برای حفظ حقوق شهروندان از بودجه عمومی خسارت‌ها را جبران کند که البته بودجه عمومی خود با بیت‌المال و سرمایه همه آحاد مردم ایران است، یعنی هزینه‌هایی که از جیب خود مردم پرداخت می‌شود.

ترجمان دوم این امر واگذاری به بخش خصوصی در زمینه معادن بوده است که متأسفانه با توجه به نواقص تقنینی و اجرایی که در این مورد وجود داشته است، بسیاری از واگذاری‌های متعدد در این بخش از شفافیت لازم برخوردار نبوده است و افراد و گروه‌های متفاوت با استفاده از رانت‌های فامیلی و قدرتی توانسته‌اند به ثروت‌های چشمگیری دست پیدا کنند. به عبارت دیگر نحوه ناکارآمد و نامناسب و حتی رانت‌گونه این واگذاری‌ها فقط در ۲ زمینه بانک‌ها و معادن موسجی از بی‌اعتمادی و نارضایتی عمومی را تاکنون شکل داده است، امری که بار در درجه اول اعتماد و سرمایه اجتماعی ملی را تحت تأثیرات منفی خود قرار می‌دهد.

همه این موارد باعث بی‌اعتمادی مردم به نظام تصمیم‌گیری‌های ملی می‌شود و بخش قابل توجهی از این بی‌اعتمادی باعث سواستفاده دشمنان خارجی انقلاب اسلامی می‌شود که شدت رصد می‌کنند تا بتوانند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و حتی نشان دهند که آنها هستند که می‌توانند بر مردم تأثیرگذار باشند. در حالی که مشکل اصلی در نوع سازوکارهای درونی خودمان در نظام حکمروایی ملی است که بحران آفرین می‌شود و نارضایتی‌های عمومی را دامن می‌زند. تصمیم‌گیری‌های ارزی در کشور نیز از نمونه‌های دیگری است که متأسفانه در هفته‌های اخیر اضطراب و نگرانی مردم را به وجود آورده است. یعنی زمینه‌های این بحران ارزی را اول مشاوران دولتی خاصی به وجود آوردند که با حمایت از تفکر نولیبرالی منسوخ خواهان شناور شدن نرخ ارز در همگامی با سیاست‌های سازمان تجارت جهانی که هستند و سپس نهادهایی مانند اتاق بازرگانی که دوست دارند دلار به دست آمده از کالاهای خود را با قیمت بیشتری در بازار به فروش برسانند. مضافا دلالاتی که دوست دارند سود بیشتری به دست آورند و در نهایت مردمی که در این آشفته‌بازار اعتماد خود

را به دولت از دست داده و به دنبال این هستند که سرمایه‌های اندک خود را حفظ کنند، چون وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوند اعتماد ندارند که پس‌انداز بانکی و حقوق و درآمدشان بدون افت باقی مانده باشد و هر آن می‌بینند ارزش حقوق و پس‌اندازهای‌شان از دست رفته است.

تأکید بر مکانیزم‌های بازار بدون یک ساخت کنترل مناسب دولتی و نظارت شفاف باعث می‌شود ساختار شکننده اقتصاد ایران با بحران مواجه شود، در حالی که باید به موضوع عدالت اجتماعی در منظر دولت تأکید شود؛ زحمتکشانی که با دستمزدهای پایین زندگی را سر می‌کنند و نوسانات دلار را روی مایحتاج خود تأثیرگذار می‌دانند. اقتصاد ایران به دلیل وابستگی نفتی و حاکم بودن تفکر اقتصادی نولیبرال توانسته است از دام اقتصادی سرمایه‌داری جهانی رهایی پیدا کند.

شعراهای انتخاباتی بدون پشتوانه که متأسفانه در یک ساختار غیراخلاقی و صرفا برای کسب آرای مردم سر داده می‌شود نیز به اعتماد و سرمایه اجتماعی ضربه وارد می‌کند و باعث می‌شود بحران دامن‌زده شود. وعده داده شده بود حقوق کارگران تامین می‌شود اما نشد، تورم کنترل می‌شود ولی متأسفانه انجام نشد و فقط با آمارها بازی شد، بیکاری تا حد زیادی رفع می‌شود اما هنوز که هنوز است رقم بیکاری فاجعه است. گفته شده بود سیاست‌های پسابرجام مشکلات اقتصادی را برطرف می‌کند اما نهنها برطرف نشد که در برخی موارد بدتر نیز شد و از همه فاجعه‌میزتر معلوم نشد دولت در مقابل حدود ۲۰۰ میلیارد دلاری که صرف هزینه‌های هسته‌ای شده بود و ناگامی امروز چه پاسخی خواهد داشت و همه اینها باری است که بر دوش اقتصاد ایران سنگینی و مرتب جامعه را با بحران جدیدی مواجه می‌کند.

بنابراین راه این است که دولت محترم صرفا به مشاوران اقتصادی نولیبرال خود تکیه نکند، چون فشل بودن مشاوره‌های آنان روشن شده است و جامعه هر روز با بحران‌های بیشتری مواجه می‌شود. دولت باید حیطه مشاوران خود را گسترش دهد، ایده‌ها را بشنود و به سوی همه دلسوزان مشفق دست یازد. در دانشگاه و جامعه وجود دارند نخبه‌های دراز کند، حرف‌ها را اسوای وابستگی جناحی و تشکیلاتی بشنود و راه خروج از این سنگت فعلی را پیدا کند. مردم بشدت آگاه هستند و با شعارهای فریبنده یا شعور مردم بازی نشود. راه اصلی برگشت به گفتمان متفاوت انقلاب اسلامی و دل بریدن از تفکرات اقتصادی نولیبرالی است که نه‌تنها ما را از دامن نظام سرمایه‌داری غربی رها نمی‌کند، بلکه هر چه بیشتر ما را به آنها وابسته می‌کند.

■ **استاد تمام گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان**

منبع:فارس

در روزگار امروز ونزوئلا تورم به دلیل شدت تقاضا و کمبود عرضه کالا به ۷۴۱ درصد رسیده است. همچنین نرخ بیکاری به ۱۷ درصد رسیده و انتظار می‌رود در آینده نزدیک به ۳۰ درصد برسد. دلیل این نرخ بیکاری مشغول شدن جوانان در بخش توزیع و خرده‌فروشی کالاهای وارداتی حاصل فروش نفت است. وقتی کشوری تک‌محصولی باشد صرفا به فروش آن محصول و خرید تمام مایحتاج کشور خود می‌پردازد که این سبب عدم ایجاد اشتغال مولد می‌شود. مصداق این عمل در ۴ دوره ریاست‌جمهوری مختلف کشور ما نیز مشاهده شده است. برای مثال آقای مسعود نیلی، مشاور آقای دکتر روحانی به افزایش قیمت دلار افتخار می‌کند و خوشحال است و معتقد به این است که دولت به دلار می‌فروشد و به ریال خرج می‌کند؛ البته با گذر از شرح دور باطل اقتصادی که مانند ونزوئلا موجب تولید اشتغال مولد نمی‌شود، بلکه با گذشت زمان، تورم حاصل از افزایش قیمت پول رایج مبادلات کشور سبب ورشکستگی دولت می‌شود. رامحل آن تقلید از کشور چین در انعقاد پیمان پولی دوجانبه و چندجانبه با شرکای اقتصادی است. همچنین مشابه این حرکت در دولت احمدی‌نژاد اتفاق افتاد.

متأسفانه زمانی که شکر در داخل کشور مقداری گران شده بود به جای حمایت از کشاورز داخل به واردات شکر پرداخته شد که مطمئنا این سیاست به دلسردی کشاورز داخلی و نابودی مزارع نیشکر منجر می‌شود. پس توجه به صنایع داخلی و حمایت از کارگر ایرانی است که موجب مردمی شدن اقتصاد شیلات مکزیک، شیلات آمریکا را تحت‌الشعاع قرار داد، آمریکا برای حمایت از تولیدکننده‌های داخلی و حفظ بازار خود به نحوی قرارداد را نقض کرد،

روزنه

کودنای آمریکا در نظام آموزشی عربستان

- غلام احیاحسینی

مدتی است خبرهایی شگفت‌آور از پروژه اصلاحات در نظام عربستان در رسانه‌ها دیده می‌شود، از بحث حقوق زنان تا آزادی‌های فردی و در بعد سیاست خارجی، حمایت آشکار از اسرائیل. در میان این سلسله اصلاحات که عمدتا با فکر و ایده شاهزاده جوان، محمد بن‌سلمان، در حال اجراست، خبری درباره اصلاحات اساسی در کتب آموزش دینی مدارس عربستان نیز جالب‌توجه است. در این یادداشت اشاره‌ای به برخی دلایل این تصمیم دولت عربستان خواهد شد. با رصد اخبار منتشرشده در این موضوع، میان این تصمیم دولت عربستان با نئستی که در یکی از کمیته‌های مجلس آمریکا آمریکا درباره همین موضوع برگزار شده ارتباط معناداری دیده می‌شود. در وب‌سایت کمیته روابط خارجی مجلس آمریکا گزارشی از یک نشست درباره وضعیت آموزش دینی در نظام آموزش‌پرورش عربستان منتشر شده است. طبق این گزارش، جلسه‌ای در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۷ / ۲۹ تیرماه ۹۶ با موضوع بررسی متون درسی عربستان و تأثیرات آن بر افراط‌گرایی در عربستان با حضور نمایندگانی از مرکز آزادی مذهبی موسسه هادسون، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و مرکز بین‌المللی مذهب و دموکراسی در کمیته روابط خارجی مجلس آمریکا برگزار شد.

در این جلسه اشاره شد که در حمله ۱۱ سپتامبر حدود ۸۰ درصد تروریست‌هایی که در آن شرکت داشتند تبعه عربستان بودند. متون درسی عربستان، دارای محتوای افراط‌گرایانه علیه ادیان و مذاهب دیگر از جمله یهودیان، مسیحیان، شیعیان و صوفیان است و دانش آموزان را به کشتن آنان تشویق می‌کند. در این جلسه بر لزوم توجه بیشتر وزارت خارجه آمریکا به این مسأله به‌عنوان مسأله‌ای امنیتی تأکید و پیشنهاد شد تا زمانی که عربستان اقدام به حذف محتوای افراط‌گرایانه از متون درسی نکرده، با توقف قراردادهای دفاعی میان آمریکا و عربستان و همچنین محدود کردن اعطای ویزا به مقام‌های سعودی فشار بر آنان افزایش یابد.

پس از گذشت ۸ ماه از برگزاری نشست فوق، دولت عربستان در واکنش به آن جلسه، یک تصمیم جدی در این‌موضوع گرفت و دوم فروردین ۹۷ شاهد کودتا و به‌زمع برخی خبرگزاری‌ها زلزله‌ای در برنامه آموزشی عربستان بودیم.

طبق تصمیم دولت عربستان ظرف ۱۰ روز، ۳۵ میلیون کتاب آموزش دینی جدید در مدارس عربستان توزیع شد و اجرای این طرح بر عهده وزارت آموزش عربستان سعودی با همکاری ارتش و گارد ملی در مدارس این کشور نهاده شد و کتاب‌های قدیم درس «پرورش دینی» را از سطح کشور جمع‌آوری کردند. کتاب‌های جدید بکسر روال ۸۰ سال گذشته این کشور، دیدگاه‌های اسلامی مسأحه‌میز را با استناد به قرآن کریم جایگزین می‌کند. طبق برنامه جدید آموزش دینی در مدارس، دین اسلام، دین محبت، تسامح و صلح معرفی می‌شود و به آن دسته‌از آیات قرآنی که از آنها خشونت و قتل برداشت می‌شود، اشاره نخواهد شد.

به نظر می‌رسد این اقدام بن‌سلمان و همچنین اقدامات اصلاحات اجتماعی دیگر نظیر بحث حقوق زنان و اعطای آزادی‌های فردی از نوع غربی آن، به‌نوعی اعلام جنگ علیه نظام دینی این‌کشور و آموزه‌های وهابیت باشد و باید منتظر این باشیم که آیا نظام دینی وهابی عربستان واکنشی در قبال این اصلاحات از خود نشان می‌دهد یا خیر؟ اگرچه با توجه به ۲ نکته بعید است مخالفت جدی با این اصلاحات را شاهد باشیم.

نکته اول حس قلدرمآبانه ولیعهد جوان است که چهره غیرمنعطف خود را در همان اوایل ولیعهدی خود با بازداشت بسیاری از شاهزادگان و مقامات سعودی نشان داد.

نکته دوم بحث دنیاطلبی و رفاه‌طلبی است که علمای وهابی عربستانی سخت گرفتار آن شده‌اند و این رفاه و آسایش را بعید است فدای اصلاحات این جوان نو به قدرت رسیده کنند. منبع: پژوهشکده بین‌المللی امام‌رضا^ع

پيامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۳۳۱